

گردشگری دانشگاهی به مثابه یک سیاستگذاری علمی

گردشگری دانشگاهی گونه‌ای گردشگری است که انگیزه اصلی گردشگران، آموختن، کشف کردن، تجربه کردن و حتی مصرف کردن امور بدیع علمی و محصولات دانشگاهی و حتی استفاده از فرصت‌های دانشگاهی در مقصد است.

جامعه چهار میلیونی دانشجویی در کشور ما، یکی از فرصت‌های کلیدی برای توسعه فرهنگی است. این جامعه دانشجویی به همراه مجموعه‌ای از کارمندان و استادان، جمعیتی بیش از پنج میلیون را تشکیل می‌دهد که یک جامعه موثر و مهم در قشر بندی‌های جامعه ایرانی است. عموماً در سیاستگذاری‌های عمومی ما کمتر به توانمندی‌های این قشر بزرگ برای توسعه و تحولات کشور توجه شده و در منطقی اقتصادی به نهاد آموزش عالی تنها به یک فضا و اجتماع در حال گذار و یک فرایند تربیت نیروی متخصص برای نهادهای بیرونی نگریسته شده است. در نتیجه ما همیشه نهاد آموزش عالی را یک نهاد موقتی و گذرا دیده‌ایم. تنها فکر اقتصادی که پیرامون این نهاد شکل گرفته، تبدیل دانشگاه به یک نهاد اقتصادی صرف و کسب درآمد به شیوه بسیار بدوی از شهریه دانشجویی است که نهایتاً به مساله فروش مدرک و تقلب‌های علمی و فساد دانشگاهی گسترده‌ای در کشور منجر شده است. کمتر به سهم مهم و جدی این نهاد در جامعه ایران و تحولات آن توجه کرده‌ایم.

یکی از فرصت‌های کلیدی نهاد آموزش عالی در حوزه گردشگری است. از این نگاه، مفهوم «گردشگری دانشگاهی» در جهان امروز مطرح شده است که مبتنی بر این قشر از جامعه و امکان‌ها و انگیزش‌های آنان در توسعه فرهنگی و گردشگری است (در یادداشتی دیگر گردشگری دانشگاهی به مثابه سیاست فرهنگی بحث خواهد شد). مساله آنست که چگونه می‌توان گردشگری را در توسعه دانشگاهی ایران به کار گرفت. این موضع در کنار نگاهی به تجربیات جهانی در این زمینه، می‌تواند در آفرینش فرصت‌های تازه گردشگری و همچنین امکان‌های تازه برای توسعه نظام دانشگاهی‌مان، به ما یاری‌رسان باشد.

گردشگری دانشگاهی گونه‌ای گردشگری است که انگیزه اصلی گردشگران، آموختن، کشف کردن، تجربه کردن و حتی مصرف کردن امور بدیع علمی و محصولات دانشگاهی و حتی استفاده از فرصت‌های دانشگاهی در مقصد است. با توجه به آنکه دانشگاه‌های ما در سراسر کشور پراکنده‌اند و بیش از پانصد شهر در ایران دارای نهاد دانشگاهی خرد و کلان است، می‌توان گفت این سیاست انبوه‌سازی دانشگاهی که در اصل یک سیاست ناکارآمد برای توسعه علمی بوده، توانمندی این را دارد که در زمینه‌های دیگری همچون گردشگری به یک فرصت تبدیل شود. بنابراین در گردشگری دانشگاهی، هدف و غایت آن تقویت حوزه‌های تخصصی علمی، توسعه امکان‌های شغلی برای دانشجویان، توسعه آگاهی‌ها و تجربه‌های فرهنگی آنان و همچنین فرصتی برای رشد و توانمندسازی فردی است.

هرچند قشر دانشگاهی بیشتر متقاضی گردشگری ارزان قیمت است، اما باید دقت کرد به دلیل حجم بالای این قشر و همچنین نقش کلیدی آنها در آینده اقتصاد و فرهنگ، گردشگری دانشگاهی هم یک درآمد است برای نهادها و زیرساخت‌های دانشگاهی و هم یک سرمایه‌گذاری برای آینده فرهنگ و اقتصاد گردشگری در کشور.

با توجه به اهمیت ارتباطات علمی در توسعه و تولید علمی، می‌توان گفت گردشگری دانشگاهی می‌تواند یک سیاستگذاری علمی هم باشد. سیاستگذاری علمی، معطوف است به اختصاص دادن منابع برای هدایت علم به سوی اهدافی که منافع عمومی را بهتر و بیشتر تأمین کنند. از این نگاه، سیاستگذاری علمی بخشی از سیاستگذاری عمومی است که بر جهت‌گیری پژوهش‌ها و علوم موثر است و

بیشتر، همگام با دیگر اهداف و اولویتهای سیاستگذاری ملی در حوزه‌هایی همچون نوآوری، فناوری، مراقبت‌های بهداشت عمومی و حتی نظارت و مراقب از محیط زیست عمل می‌کند. سیاستگذاری علمی در زیر سیاستگذاری عمومی، به دنبال توسعه نهادهای علمی در راستای توسعه پایدار جامعه است. از این نگاه، می‌توان سیاستگذاری علمی را در کمینه و حداقل آن، نوعی فرصت برای توسعه علمی دانست.

تجربه‌های تاریخی جهان اسلام از گردشگری علمی

در جهان سنتی و در تاریخ اسلام، موارد مشابه بسیار موثر و کارآمدی وجود داشته که با نام «رحله» یا سفرهای علمی وجود داشت. در این سفرها، یک دانشمند و اندیشمند بزرگ، عموماً به مقصد حج به همراه عده‌ای از دانشجویان و طلاب خویش راه می‌افتاد و در سر راه هم در محافل علمی شهرهای مقصد یا تدریس می‌کرد، یا در کلاس‌های آنها حضور می‌یافت و یا اینکه فرصتی برای مناظره‌ها و مبادلات علمی فراهم می‌گردید. به سخن دیگر، رحلة راهی بود برای مبادله میان فرهنگی و تبادلات علمی میان مراکز علمی بزرگ و دانشمندان و طلاب علمی آن زمان.

در ایران امروز، نه تنها از این سنت حسنه تمدن ایرانی-اسلامی استفاده‌ای نمی‌شود، بلکه از تجربه‌های جهانی مانند طرح اراسموس در اتحادیه اروپا که مبتنی بر آموزشی میان فرهنگی و چرخشی برای دانشجویان در بخش‌هایی از این قاره است، نیز استفاده نمی‌گردد و شاید مهم‌تر و بدتر از همه اینکه نظام‌های دانشگاهی ما هرچه بیشتر به قبیله‌های منزوی و بسته‌ای شبیه می‌شوند که نه تنها با مرکز علمی شهرهای دیگر، بلکه با گروه‌ها و نهادهای علمی در همان شهرها یا منطقه نیز ارتباط سامان‌مند ندارند. لذا در حلقه‌های بسته و منزوی، نه تنها علم ویژه‌ای تولید نمی‌شود، بلکه امکانی هم برای مبادله و توسعه علمی وجود ندارد. همه اینها را باید در کنار انبوهی از تبلیغات منفی و اتهامات منفی به اردوهای دانشجویی قرار داد که نه تنها گردشگری دانشجویی را طرد و سرکوب کرده، بلکه از نظر نظام تصمیم‌گیری در حوزه آموزش عالی، آنرا به یک تهدید موهوم هم بدل کرده است.

در جهان نو، گردشگری دانشگاهی نه تنها یک فرصت، بلکه یک بایسته و ضرورت برای توسعه و گسترش جهان بسته نظام دانشگاهی ایران است که به واسطه برقرار کردن فرصت‌های مبادله دانش، یادگیری و حتی تجربه‌های فرهنگی و فکری نوین، دانش آموخته‌شده را هم در بستر جامعه ایرانی در ذهن دانشجویان نهادینه کند و هم این نهاد بسته را هرچه بیشتر با دغدغه‌ها و نیازهای جامعه ایرانی در سطوح خرد محلی آشنا کنند. از این نگاه، دانش می‌تواند هم انگیزه‌ای باشد برای گردشگری و هم فرصتی باشد برای توسعه محلی.

این کار نیازمند آنست که دانشگاه‌های کشور در یک تقسیم کار جمعی، هر کدام در حوزه و تخصصی خودشان را توسعه دهند تا بتوان گفت در هر منطقه، آکادمیای ویژه‌ای شکل گرفته است. برای نمونه، سرمایه‌گذاری‌ای که دانشگاه آزاد قزوین در زمینه مرکز علمی رباتیک کرده، یکی از نمونه‌های موفق است که می‌تواند الگویی باشد برای سایر نهادهای دانشگاهی. این مرکز با برگزاری دوره‌های آموزشی، تورهای علمی و حتی سمینارهای ملی و بین‌المللی، می‌تواند انبوهی از گردشگران دانشگاهی را به این شهر کشانده و فرصتی باشد برای توسعه صنعت گردشگری منطقه. بر همین منوال در جاهای دیگر ایران، هر مرکز دانشگاهی می‌تواند یک مرکز تخصصی علمی باشد. یکی می‌تواند آکادمیای شیمی باشد و یکی دیگر آکادمیای علوم دریایی یا جنگل‌داری و... مساله اصلی اینست که هر مرکز باید به گونه‌ای باشد که انگیزش علمی و اجتماعی کافی را برای مخاطبان و متقاضیان برای سفر به آنجا ایجاد کند. به همین منظور، از گونه‌ای تخصصی و رقابتی شدن فعالیت‌های علمی در این مراکز دانشگاهی باید سخن گفت. زیرا مساله اصلی آنست که در

این شیوه گردشگری دانشگاهی، برای هرچه بیشتر فعال شدن یک مرکز دانشگاهی، باید برندسازی ویژه‌ای هم صورت بگیرد که مخاطبان، آن مرکز دانشگاهی را به‌عنوان مقصد انتخاب کنند. این موضوع می‌تواند در سطح کلان، انرژی برای رقابت‌های علمی و توسعه علمی هم فراهم کند.

گردشگری دانشگاهی عمیقاً وابسته به تقویم فعالیت‌های دانشگاهی است. عموماً نظم تدریس موجب می‌شود که گردشگری دانشگاهی به زمان‌های میان نیم‌سال‌ها و تعطیلات نوروزی و مهمتر از همه تعطیلات تابستانی محدود باشد که اتفاقاً حسب تناسب این زمان‌ها به تقویم طبیعی ایران، بهترین زمان‌های سفر هم هستند. وجود زیرساخت‌های گسترده دانشگاه در همه شهرهای کشور می‌تواند فرصتی برای نوعی گردشگری ارزان اما بسیار پویا فراهم کند. زیرساخت‌های خوابگاه‌های دانشگاهی و مهمان‌سراها‌ی استادان در دانشگاه‌ها و همچنین رستوران‌های دانشگاهی، فرصت‌های آماده‌ای هستند که نیاز به سرمایه‌گذاری برای ایجاد آنها وجود ندارد، بلکه تنها باید برنامه‌ریزی کافی برای استفاده از آنها را داشت. حجم انبوهی از دانشگاهیان برای کسب علم، تجربه‌های فرهنگی و حتی جشنواره‌های فرهنگی جانبی به یک منطقه سفر کنند. این مساله در نهایت منجر به توسعه دانش و سواد گردشگری در ایران و مبادلات فرهنگی و اقتصادی در محیط مقصد و همچنین در قشر دانشگاهی (که از یکسو امروزه قشر بزرگ و مثری هستند و از سوی دیگر در آینده قشر موثر و تصمیم‌سازی می‌شوند) خواهند شد.

با توجه به اینکه گردشگری دانشگاهی یک نیاز حیاتی برای حل بحران دانشگاه ایرانی و برون‌رفت آن از انزوای بسته محیط‌های دانشگاهی است، برای توسعه گردشگری دانشگاهی در ایران می‌بایست این زیرساخت‌ها را آماده کرد:

۱. ایجاد و توسعه بینشی خلاقانه برای گردشگری دانشگاهی، هم در دانشگاهیان و هم در سیاستگذاران صنعت گردشگری؛
۲. تولید و توسعه دانش و اطلاعات دقیق و سودمند نسبت به این مساله که در اختیار برنامه‌ریزان و مخاطبان قرار بگیرد؛
۳. اولویت‌بخشی به گردشگری دانشگاهی در سیاستگذاری‌های فرهنگی نظام دانشگاهی، هم به‌عنوان یک سیاست علمی و هم به‌عنوان یک سیاست فرهنگی؛
۴. ایجاد بسترهای مناسب برای کاربرد و توسعه تکنولوژی‌های نوین و همچنین تجربه‌های جهانی در صنعت گردشگری برای توسعه گردشگری دانشگاهی در ایران؛
۵. ایجاد زمینه‌های بیشتر برای مشارکت و همکاری هرچه بیشتر ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در تعاملی متقابل؛
۶. ایجاد زیرساخت‌های توسعه گردشگری دانشگاه از سطح ملی به بسترهای بین‌المللی؛
۷. مهمتر از همه، رفع سوءتفاهم‌های فرهنگی منفی و برچسب‌های منفی نسبت به اردوهای دانشجویی در دستگاه‌های سیاستگذار.

از این رو، نظام دانشگاه و حتی صنعت گردشگری در رابطه‌ای متقابل می‌تواند با ایجاد بسترهای گردشگری دانشگاهی، نه تنها به توسعه علمی کشور یاری رسانده و قبیله‌های بسته علمی را به اجتماعات باز و میان‌فرهنگی علمی بدل کنند، بلکه می‌تواند به تدریج موجب توسعه زیرساخت‌های گردشگری و استفاده از انبوه عظیمی از ساختمان‌های دانشگاهی شوند. ساختمان‌هایی که در ایام تعطیلی بی‌استفاده‌اند را می‌توان در ایجاد تسهیلات و زیرساخت‌های گردشگری ملی به خدمت گرفت. از این منظر باید دقت کرد که گردشگری دانشگاهی هرچند به‌واسطه پیوند خود با اردوهای دانشجویی و مذموم دانستن آنها در مجموعه‌ای از سوءتفاهم‌های مکرر، هنوز جدی گرفته نمی‌شود، اما باید دقت کرد منطق میان‌فرهنگی دانش و لزوم مشارکت دادن جریان‌های علمی در توسعه پایدار کشور، گردشگری

علمی را به یک ضرورت و یک امر حیاتی در توسعه علمی و پایدار کشور بدل کرده است. ضمن آنکه با توجه به فرصت‌های بین‌المللی، گردشگری علمی بین‌المللی راهی است برای جذب دانشجویان خارجی در نظام دانشگاه ایران.

منبع: جبار رحمانی (انسان‌شناس. موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ) - خبرگزاری مهر